

The outline geometry of the new Islamic civilization from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli

Maryam Saeedyan Jazi *

Received: 2020/05/29

Accepted: 2020/08/19

Abstract

Theories of civilization are formed based on the intellectual foundations and social approaches of thinkers. It is possible to measure and evaluate the patterns of civilization with it. Ayatollah Javadi Amoli is one of the leading Muslim thinkers and, contemporary influential people who pay attention to the civilized identity of Muslims. His view is important because of the originality, wise method and logical confrontation with rival civilizations. This research pays attention to the civilizational approach of the Islamic Revolution, and discusses the nature of the new Islamic civilization from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli. It is possible to benefit more from his guidelines in the fundamental studies of modern Islamic civilization. The main purpose is to explain the outlines of the thought of civilization of Ayatollah Javadi Amoli. The main question that what are the foundations of modern Islamic civilization in the thought of Ayatollah Javadi Amoli? The research method is descriptive, analytical and, based on data collection in a documents (the text, works and lectures of Ayatollah Javadi Amoli). This study shows that the new Islamic civilization in the thought of Ayatollah Javadi Amoli is an inevitable necessity and desirable priority. The intellectual and theoretical foundations of this idea are based on: epistemology, anthropology, ontology and value principles, the original Islamic sources (Qur'an and Sunnat), rational insight and free thinking. Accordingly, the new Islamic civilization has various elements, continuous, divine face and all issues of concern. The model of modern Islamic civilization is based on the development of "Kowsari" versus proliferative development, and it has characteristics such as balanced, sustainable, creative, free, social and benefiting from the heritage of the past.

Keywords: Ayatollah Javadi, New Islamic Civilization, Islam, humane, Free Thought, Wisdom

* PhD ,Associate professor, Department of Islamic Knowledge, faculty of Theology and the Teaching of Ahl Al-Bayt (AS), University of Isfahan, Iran
msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

خطوط کلی مهندسی تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی

مریم سعیدیان جزی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۹

چکیده

نظریه‌های تمدنی بر پایه بنیان‌های فکری و رهیافت‌های اجتماعی اندیشمندان شکل می‌گیرد و امکان سنجش و ارزیابی الگوهای تمدنی با آن وجود دارد. آیت‌الله جوادی آملی به عنوان یکی از اندیشمندان برجسته مسلمان و اثرگذار در دوران معاصر بر ضرورت تطبیق قواعد و احکام اسلام بر مسائل جهان و جامعه معاصر و بازیابی هویت تمدنی مسلمانان توجه دارند و دیدگاه ایشان به دلیل برخورداری از شاخصه‌هایی چون اصالت، اندیشه‌ورزی، حریت، روش حکیمانه و مواجهه منطقی با تمدن‌های رقیب از اهمیت برخوردار است. این تحقیق با توجه به رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های مختلف در این زمینه، ماهیت تمدن نوین اسلامی را از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی مورد بحث قرار می‌دهد تا امکان بهره‌مندی بیشتر از رهنمودهای ایشان در مطالعات بنیادی تمدن نوین اسلامی فراهم گردد. هدف اصلی این تحقیق تبیین خطوط کلی اندیشه تمدنی آیت‌الله جوادی آملی است و درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است که مبانی و عناصر تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی چیست؟ در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی که مبتنی بر جمع‌آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی است؛ به این پرسش پاسخ داده شده و متن بیانات، آثار و تقریرات آیت‌الله جوادی آملی کانون توجه بوده است. از این تحقیق به دست می‌آید که تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و اولویت مطلوب است. بنیان‌های فکری و نظری این اندیشه بر مبانی معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و مبانی ارزشی مبتنی بر منابع اصیل اسلامی (قرآن و عترت)، بینش عقلی و آزاداندیشی است. بر این اساس تمدن نوین اسلامی دارای عناصر گوناگون، پیوسته و چهره ملکوتی است و همه موضوعات و مسائل (از نفی تا اثبات) کانون توجه است. الگوی تمدن نوین اسلامی بر اساس رشد کوشی در مقابل توسعه تکاثری است و از ویژگی‌هایی چون خودکفایی موزون، پایدار، خلاق، آزاد، جامعه‌گرا و بهره‌مند از میراث گذشته برخوردار است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله جوادی، تمدن نوین اسلامی، اسلام، انسان، آزاداندیشی، حکمت

*دکتری تاریخ اسلام، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

یکی از چالش‌های اساسی بشر امروزی ناتوانی در فهم حیات مطلوب است. این مسئله مدعای بسیاری از سیاست‌بازان عوام‌فریب، شیطان‌صفتان استعمارگر و داعیه‌داران جهانی است. این در حالی است که قطار جهانی همچنان برمدار قرار حرکت می‌کند و تا به سر منزل مطلوب نرسد توقف نخواهد کرد.

در این تضاد و تعارض میان حرکت تکاملی هستی و ایستگاه آخر تمدن غرب، چه باید کرد؟ پاسخ بازگشت به حقیقت حیات، فطرت و شریعت است؛ اما نه با هر فهم و نگرشی و نه هر راه و گرایشی. این مهم در شرایط حاضر تنها با نظریه تمدن جدید اسلامی امکان تحقق خواهد یافت. (نجفی، ۱۳۹۲) تمدن نوین اسلامی دارای ماهیت مستقل، پیش‌برنده و ذو ابعاد است و همه عناصر و مؤلفه‌های تمدنی در آن موجود و امکان وقوع آن یقینی است. این تمدن با بهره‌گیری از تمدن‌های الهی پیشین و آگاهی نسبت به گذشته تجارب بشری و حرکت در مسیر دولت کریمه الهی یعنی حضرت مهدی (ع) در سیر شدن و ماندن قرار دارد.

حکیم متأله، آیت‌الله العظمی جوادی آملی (ولادت در ۱۳۱۲هـ) از دانشمندان کم‌نظیر و برجسته جهان اسلام و از مفسران ژرف اندیش قرآن کریم است. از مجموعه آثار ارزشمند ایشان می‌توان به تفسیر تسنیم، ریح مختوم و مفاتیح الحیات اشاره کرد. برخی از ویژگی‌های علمی آیت‌الله العظمی جوادی عبارتند از: آزاد اندیشی علمی، جامع‌نگری علمی و بهره‌مندی از علوم گوناگون اسلامی، خضوع و سعه صدر علمی، آشنایی با مبانی و استنباط فروع از آن، روشمندی در استنباط علمی و بینش عقلی، بهره‌مندی از قرآن و وحی به عنوان محور تفکر و مدار شهود، نقد و ارزیابی سنجیده، تأسیس اصول و مبانی جدید و تحریر اصل مسئله، مخاطب محوری و توجه به نیازهای واقعی، درک مسائل جهان و جامعه معاصر، برخورداری از اخلاق متعالی و کریمانه علمی، دارای روش حکیمانه و

برخورداری از سلوک علمی خودکفا.

تأمل در آراء و رویکرد آیت‌الله العظمی جوادی آملی از چند جهت حائز اهمیت است. ایشان از مراجع گرانقدر دینی و علمی و به عنوان یکی از سه مؤلف برجسته در جهان اسلام در عرصه پژوهش‌های اسلامی است و عمق افکارشان در تولید اندیشه متعالی در عرصه علوم عقلی و نقلی بر کسی پوشیده نیست. آیت‌الله العظمی جوادی در ارائه رهنمود، هدایت عالمانه، پاسخ‌گویی به مراجعات و ارائه نظر و اندیشه و تولید آثار رسالت خود را به انجام رسانده و هم راستا با حرکت‌های علمی و فرهنگی جهان حضور و بروز فعال و اثر گذاری دارند. (esra.ir)

تمدنی بودن یک اندیشه به معنای شمول فکر و پاسخ‌گویی به نیازهای اندیشه‌ای بشر در همه حوزه‌های معرفتی و معیشتی است که اندیشه حضرت آیت‌الله جوادی آملی از چنین ویژگی ممتازی برخوردار است. اندیشه تمدنی آیت‌الله جوادی آملی با بهره‌مندی از آموزه‌های وحیانی، معارف اهل‌بیت(ع) و بینش عقلی، آشنایی با میراث عظیم تمدنی مسلمانان، ذکاوت، نزاهت و هوشمندی در ارائه راهبردهای اساسی و تحریر حکمت اندیشه‌ورزی در تبیین اصل مسئله «تمدن نوین اسلامی» از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

این تحقیق به دنبال فهم ماهیت تمدن نوین اسلامی بر محور اندیشه این حکیم متأله و فیلسوف معاصر است. آنچه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ جنبه کشفی دارد و براساس آراء و رویکرد تمدنی آیت‌الله جوادی آملی استخراج، صورت‌بندی و تنظیم شده است. روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و اسنادی است که با استفاده از بیانات، آثار و تقریرات آیت‌الله العظمی جوادی انجام گرفته است. ساختار تحقیق در راستای پاسخ به این سؤال اصلی است که مبانی و عناصر تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی چیست؟ از این تحقیق به دست می‌آید که تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و اولویت

مطلوب است. بنیان‌های فکری و نظری این اندیشه بر مبانی معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و مبانی ارزشی مبتنی بر منابع اصیل اسلامی (قرآن و عترت)، بینش عقلی و آزاداندیشی است. بر این اساس تمدن نوین اسلامی دارای عناصر گوناگون، پیوسته و چهره ملکوتی است و همه موضوعات و مسائل (از نفی تا اثبات) کانون توجه است. الگوی تمدن نوین اسلامی بر اساس رشد کوثری در مقابل توسعه تکاثری است و از ویژگی‌های چون خودکفایی موزون، پایدار، خلاق، آزاد، جامعه‌گرا و بهره‌مند از میراث گذشته برخوردار است.

۱. پیشینه تحقیق

درباره دیدگاه اختصاصی آیت الله جوادی آملی در حوزه‌های مختلف اسلامی پژوهش‌های خوبی انجام گرفته است. نیز بخش‌هایی از آراء ایشان در زمینه تمدنی مانند جایگاه علم دینی تمدن‌ساز محل توجه بوده است؛ اما درباره اصول کلی رویکرد تمدنی ایشان و نسبت به آن با تمدن نوین اسلامی (تمدن اسلامی) تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. پارسانیا (۱۳۹۰) دیدگاه آیت الله جوادی را درباره حقوق بشر مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته که از دیدگاه ایشان مبادی اسلامی ارتباط منطقی با مبانی و منابع حقوق بشر دارد (پارسانیا، ۱۳۹۰، صص ۱۴۶-۱۲۹). رجبی (۱۳۹۷) رهیافت آیت الله جوادی را درباره علم دینی تمدن‌ساز مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته که دیدگاه ایشان به دلیل رویکرد حداکثری به علم دینی، تأکید بر عقل و نقل دینی، توجه به کانون الهی همه علوم، میراث قدما و علوم جدید از ظرفیت‌هایی بالایی در تمدن نوین اسلامی برخوردار است. آدمی و حاجی زاده (۱۳۹۳) دیدگاه آیت الله جوادی را درباره آزادی عقیده بررسی کرده و به این نتیجه دست یافتند که دیدگاه ایشان دارای منطق ساختاری است و از کارایی لازم برای نقد رویکرد پلورالیسم برخوردار است. از نظر ایشان آزادی عقیده دارای قلمرو است و قرآن کریم حدود آن را

تعیین کرده است.

۲. چارچوب نظری

«نظریه تمدنی نظریه‌ای است که موضوع آن، حوزه تمدن بوده و مشتمل بر گزاره‌هایی است که به طور منسجم در موضوع خاص یا موضوعاتی از حوزه تمدن تنظیم می‌گردند» (قراملکی، ۱۳۹۶، صص ۲۱۷-۲۱۸ به نقل سلطانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸) اندیشه تمدنی آیت‌الله جوادی آملی بر مفاهیم بنیادی استوار است که به شرح زیر عبارتند از:

۲-۱. مفاهیم و اصطلاحات: یکی از مقولات مهم در آراء آیت‌الله العظمی جوادی آملی، تأسیس و تعریف مفاهیم و واژگانی است که ناظر بر رویکرد تمدنی ایشان است. رهیافت این امر تبیین عقلانی مسائل و قواعد و ارائه الگوی علمی از تمدن نوین اسلامی است. برخی از این مقولات عبارتند از:

- تمدن و فرهنگ: فهم معمول از تمدن شامل دستاوردهای مادی بشری و منحصر در علوم تجربی است. آیت‌الله جوادی معتقد است: «مجموعه علوم با کمک هم فرهنگ و ساختار را درست می‌کنند، روابط را شکل می‌دهند، دانش تولید می‌کنند، سبک زندگی را تعریف نموده و حق و باطل را معین می‌کنند» (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۴، ص ۲۸). هر تمدن بر چهار پایه علم، سیاست، اقتصاد، اخلاق و هنر تأکید استوار است. آیت‌الله جوادی ضمن پذیرش این ارکان؛ معتقد است تمدن‌سازی سه رکن دارد: دانش، ساختار و محصول. از این منظر «فرهنگی می‌تواند ادعای تمدن‌سازی کند که قدرت تولید محصول دارد؛ یعنی نیازهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، فردی، اجتماعی و گروهی را در قالب محصولات متنوع پاسخ می‌دهد. این مصنوع محصول روابط فیزیکی و انسانی است و به ساختارهایی نیاز دارد که ریشه در جامعه دارند. از سویی، آنچه امکان طراحی، بقا و بهینه‌سازی ساختارها را فراهم می‌کند، دانش است» ((جوادی آملی (ب)، سخنرانی، ۱۳۶۳). دانش تعیین‌کننده

ساختار، محصول و نیاز است و «به ما می‌گوید که چه تمدنی متناسب با چه فرهنگی است» (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۶۱)

- **انحطاط و پیشرفت:** در این اندیشه انحطاط زمانی اتفاق می‌افتد که تغییری در جامعه صورت پذیرد که نگذارد استعدادها را نهفته جامعه به فعلیت برسد؛ انحطاط است و در صورت به فعلیت رسیدن پیشرفت تکاملی رخ داده است (همان).

- **تغییر کوثری و تغییر تکاثری:** تغییر در مقابل ثبات است. تغییر تدریجی در مقابل تغییر دفعی است. تغییر تکاملی در مقابل تغییر انحطاطی و عقب‌گردی است. مقصود از تغییر جامع‌نگر، تکامل همه جانبه اعم از مادی، معنوی، فردی و جمعی است (همان). یکی از مفاهیم تأسیسی آیت‌الله جوادی «تغییر کوثری و تکاثری» است. در نظر ایشان: «مقصود از تغییر کوثری، تغییری است که در راستای به فعلیت رسیدن من فردی یا اجتماعی انسان است... اگر تکامل ملکی در راستای تکامل ملکوتی باشد تغییر کوثری شکل می‌گیرد. ولی اگر نه، فقط تکاثر و جمع‌آوری مسائل دنیوی و ملکی باشد و اصلاً نظری به ملکوت و معنویات نداشته باشد این تغییر کوثری نخواهد بود». (همان)

- **اسلام:** منظور از اسلام خطوط (حقوق) کلی دین اسلام است که انبیاء الهی پیشین آوردند. اسلام حرف همه انبیا است (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) (آل عمران، ۱۹) و شریعت و منہاج مربوط به فروع خاصی چون نماز و روزه است (لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا) (المائدة، ۴۸). اسلام یک سلسله برنامه‌های محلّی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد و در آن موحد و ملحد، مسیحی و کلیمی مانند مسلمان حضور دارند. (جوادی آملی (ب)، بیانات، ۱۳۹۵/۱۰/۱). در مطلب دیگری فرمودند: «اسلام حرف‌های جدید برای جامعه بشریت دارد قم و حوزه‌های علمیه باید حرف تازه اسلامی که در هیچ یک از مکتب‌های آسمانی و مادی وجود ندارد، ارزیابی و برای بشریت تبیین کند.» (جوادی آملی (د)، بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۲). تقریر ایشان از حدیث

مشهور "الاسلامُ یعلو ولا یعلیٰ علیهِ" این است: «بر همه شما لازم و واجب است که بکوشید جهانی بیندیشید و جهانی سخن بگویید.» (جوادی، بیانات (ذ)، ۱۳۹۸/۱۱/۱۹)

- **حکمت عملی:** «مجموعه آن بایدها و نبایدهایی است که بخشی به اخلاق، بخشی به سیاست، بخشی به تدبیر منزل برمی‌گردد و هر چه جزء شعب فرعی این اصول یادشده است». حکمت عملی (اعم از بایدها و نبایدهای اخلاقی، سیاسی، تدبیر منزل و مانند آن) از یک مبنای علمی گرفته می‌شود و به جهان‌بینی، معرفت نفس و پیوند بین انسان و جهان وابسته است. در غیر این صورت انسان «توان ادراک صحیح قانون بایدها و نبایدها را ندارد» (جوادی آملی (ب)، بیانات، ۱/۱۰/۱۳۹۵).

۲-۲. **چارچوب نظری:** تمدن نوین اسلامی بر پایه فهم اسلام و «گسترده‌گی و عمق فراگیری دین» استوار است (جوادی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸). علامه در تبیین اهمیت دین معتقد است: «دین حقایق را بیان می‌کند، چگونگی نظامات اجتماعی و سیاسی و بایدهای آن را تعیین می‌کند و بالاتر از آن سبب شکوفایی فطرت می‌شود.» (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۵۴). اصول و مبانی تفکر دینی در دیدگاه ایشان به شرح زیر عبارتند از:

- مبانی معرفت‌شناسی

۱. خداشناسی: مهم‌ترین بعد معرفت‌شناسی دینی شناخت خداوند است. آیت‌الله جوادی براین عقیده است که شناخت انسان و هر چیز دیگر «بدون شناخت خداوند و نحوه کارش میسور نیست» (جوادی، ۱۳۸۴، ص ۸۴). چرا که آفرینش انسان و جایگاه او در نظام خلقت با اراده خداوند است و خداوند در امور عالم و عبودیت محض موجودات نقش مستقیم دارد (همان).

۲. وحی، نبوت و عترت: یکی دیگر از قواعد مهم؛ وحی و نقش پیامبران است.

آیت‌الله جوادی جایگاه وحی و نبوت را به عنوان امری تأسیسی مطرح می‌کند چرا که مبتنی بر هدایت و همسو با هدف خلقت است. ایشان می‌فرماید: «بدون رهنمود عترت و وحی که بر اساس عقل و عدل می‌گردد میسر نیست» (جوادی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱).

ایشان در تعریف وحی می‌فرماید: «وحی قانونی است که خالق وضع کرده» و غیر از نقل است. درباره ضرورت وحی معتقد است: «وحی همان «ما اراد به الله» خواهد بود» و فهم آموزه‌های وحیانی در یک مجموعه پیوسته قرآن، حدیث، عقل و تجربه‌ی ممکن خواهد بود (جوادی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸). ایشان تجلی ولایت را در عصر حاضر در وجود حضرت ولیعصر (ع) قرار می‌دهند و ولایت را از دو جهت منحصر به آن حضرت می‌دانند: ۱. بعد علمی که رأی او بر قرآن عرضه می‌شود. ۲. بعد عملی که هوای نفس و غیر آن را تحت تابعیت هدایت قرار می‌دهد (جوادی آملی (ج)، بیانات، ۱۰/۱/۱۳۹۵).

– مبانی انسان‌شناسی

یکی از ارکان مهم در تمدن نوین اسلامی توجه به شناخت انسان و جایگاه او است. از نگاه آیت‌الله جوادی علت بحران تمدن امروز غفلت از شناخت انسان یا به تعبیری عدم شناخت او است (جوادی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶). مسائل مورد بحث ایشان در این حوزه عبارتند از: هویت انسان چیست؟ چه نیازهایی دارد؟ چه جایگاهی یا چه نقشی در نظام هستی دارد؟ نقش دین در هویت انسان چیست؟ دین چه جایگاهی برای انسان در نظام هستی در نظر گرفته است؟

ایشان با آشنایی نسبت به مبانی و مسائل دیدگاه‌های رقیب، رهنمودهایی را ارائه دادند که زمینه استنباط فروع دینی و نسبت آن با تمدن نوین اسلامی را روشن می‌کند. محورهای مورد بحث در این مقوله عبارتند از:

۱. رد انسان آشنا: فهم معمول بشر امروزی از انسان، مادی‌گرایانه و متناسب با

رویکرد تجربی غرب نسبت به انسان است. آیت‌الله جوادی در نقد و ابطال این رویکرد ناصواب معتقد است: «اگر بگوییم انسان جانور ابزارساز است این مغالطه کنه و وجه است؛ اگر بگوییم انسان یعنی موجود اجتماعی یا مدنی الطبع که اهل سیاست می‌گویند این هم مغالطه کنه و وجه است؛ اگر بگوییم انسان یک حیوان ناطق است باز هم مغالطه کنه و وجه است» (همان).

۲. رد انسان استخدام‌گر: طبیعت انسان استخدام‌گر است و همین زمینه اختلاف و مشاجره را پدید می‌آورد. از منظر آیت‌الله جوادی انسان «مستخدم الطبع و مدنی بالفطره» است (جوادی، ۱۳۸۴، صص ۱۳۵-۱۳۶؛ همو، ۱۳۷۲، صص ۳۸۳-۴۰۳) به این معنی که طبیعت انسان در سطح حیات نباتی و حیوانی است و لکن فطرت آدمی هویتی عقلانی دارد (پارسائیا، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴).

۳. تمرکز بر "انسان آفرین": انسان‌شناسی دینی بر محور و مدار نگرش توحیدی است و بهترین تعریف از صورت و سیرت انسان از جانب خداوند صورت می‌گیرد. از این رو کارکرد نگرش دینی به جهت شناخت انسان و صیوریت او است. آیت‌الله جوادی می‌فرماید: «اگر می‌خواهیم انسان را بشناسیم خودمان نمی‌توانیم. باید ببینیم انسان آفرین راجع به انسان چه چیزی گفته است» (همان).

۴. انسان مستعد: ایشان در بحث «تبیین توحش طبیعی و تمدن نظری» بین طبیعت و فطرت تفکیک قائل شده و بر این عقیده است که: «اگر این انسان را به حال خود رها کنیم و قانون و مقررات و عقلانیت و دین و امثال این‌ها نیاید و بر زندگی او حاکم نشود، این انسان به طور طبیعی زیر بار قانون نمی‌رود و حالتی از توحش دارد و برای اینکه از این حالت توحش خارج شود، خدا از درون، این انسان را مستعد آفریده و در کنار این طبیعت، به او فطرتی داده است که انسان به مقتضای آن فطرت، گرایش به خیر و خوبی و گرایش به کمال و رشد و گرایش به تکامل عقلی و امثال این‌ها دارد ... لذا اگر ما بیاییم و فطرت را در انسان شکوفا کنیم،

نتیجه این شکوفایی فطرت، تحقق تمدن در جامعه بشری است» (جوادی، پیام به همایش، ۱۳۹۵/۱۰/۱).

۵. ترسیم انسان ناآشنا: یکی از محورهای مهم در تمدن نوین اسلامی فهم انسان و تبیین چهره ملکوتی او است. آیت‌الله جوادی بر ضرورت این بازشناسی و فقدان انسان تراز تأکید نموده و می‌فرماید: «انسان خود را مجدداً بشناسد» (جوادی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱). محور تفکر و دریافت چنین انسانی با بهره‌مندی از آموزه‌های وحیانی، عقل و فطرت به دست می‌آید (جوادی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶). شاخصه‌های این انسان معیار عبارتند از:

۶. انسان خلیفه‌الله: خلیفه الهی مظهر انسان کامل است که از جانب خداوند خلافت الهی را در زمین و آسمان برعهده دارد و آگاه از اسماء الهی و مظهر آنها است. آیت‌الله جوادی می‌فرماید: «انسان، خلیفه خداست و خلیفه باید کار کسی که او را به خلافت انتخاب کرده یعنی خدا را انجام دهد. انسان که خلیفه خداست سعی می‌کند کار الهی را در نظام هستی پیاده کند» (جوادی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). ایشان درباره تمامیت مظهر اسماء الهی در انسان کامل و تفاوت متأله و الوهیت می‌فرماید: «حی، متأله و مائت است. حی، غیر از حیوان و جانداران دیگر است یعنی همان‌طور که خدا حی دارد انسان هم حی دارد. حیات دارد... انسان موجودی متأله است یعنی هویتش غیر از هویت الهی بودن است... پس انسان دارای فطرت الهی است این فطرت هم تبدیل پیدا نمی‌کند؛ یعنی بدل نمی‌شود... اما مائت یعنی میرا، یعنی با این صفت از فرشتگان متمایز می‌شود... قرآن می‌گوید همه انسان‌ها با خدا ملاقات می‌کنند. منتها برای هر کسی درجه این ملاقات فرق می‌کند. الوهیت هم معنایش همین است...» (جوادی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶).

۷. ابدی بودن انسان: ایشان در توضیح مسئله مرگ و با استفاده از تعبیر لطیف قرآنی مانند (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ آل عمران، ۱۸۵). نکات مهمی را بیان می‌کنند

که براساس آن این اصول کلی دریافت می‌شود:

۱. حیات انسان در این دنیا خاتمه نمی‌آید و برای ابد (مخلوق) خواهد بود.
۲. انسان ابدی، نیازهای ابدی دارد و باید توشه خود را از این دنیا فراهم کند. (جوادی آملی(ث)، بیانات، ۱/۱۰/۱۳۹۵).

این دیدگاه نشان می‌دهد یکی از ارکان مهم برای شناخت انسان و ساحت کمالی و ابدی تمدن‌سازی اسلامی، توجه به جاودانگی بودن انسان است. رویکرد تمدنی آیت‌الله جوادی آملی در این مقوله آن است که «تمدن اسلامی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که برای ابدی بودن انسان باشد و توشه او را فراهم کند» (همان).

- **مبانی هستی‌شناسی (خلقت‌شناسی): منظور از این مبانی توجه به فلسفه کلی خلقت است به این معنا که: «فلسفه کلی(۱) گذشته از تأمین وجود موضوعات علوم و مبادی آنها، الهی بودن آنها را نیز تأمین می‌نماید».** مبانی هستی‌شناسی علامه در چند محور اساسی قابل طرح است که به شرح زیر عبارتند از:

۱. خالق صانع: «صحنه هستی ممکنات، ساحت صنعت خداست، به طوری که هیچ چیزی در آن یافت نمی‌شود، مگر آنکه مخلوق پروردگار است» (جوادی، پیام به همایش، ۱/۱۰/۱۳۹۵). «همه عالم مأذون الله هستند و تمدن اسلامی نیز جدا از این اذن و اراده نیست. از این بیان استنباط می‌شود رابطه مستقیمی میان مخلوق، خالق و ولی الهی وجود دارد. جز این امکان تمدن‌سازی اسلامی میسر نخواهد بود» (جوادی، ۱۳۹۰، ص ۸۴).

۲. وحی و شریعت: «دین، قانون مدون پروردگار است و شناختن آن، مستقیماً با وحی و الهام انبیا صورت می‌پذیرد و معرفت با واسطه آن، با عقل برهانی و نقل معتبر خواهد بود. عقل و براهین آن را نمی‌توان مصادره کرد و رنگ بشری به آن داد، زیرا موهبت پروردگار است و ره‌آورد آن حجت الهی است، به طوری که عمل برابر قطع عقلی، واجب و ترک عمل در برابر یقین عقلی نیز حرام خواهد بود.»

۳. عقل: «عقل، سراج منیری برای معرفت صراط مستقیم است. از سراج، کار صراط ساخته نیست و عقل، هرگز قانون‌گذار تکوین یا تشریح نیست، زیرا تنها قانون‌گذار خداوند سبحان است و عقل همتای نقل، تحت راهنمایی وحی معصومانه، منبع معرفتی دستورهای الهی است و نه بیش از آن.»

۴. علم: «هر علمی، اعم از تجربی و تجریدی، تفسیر خلقت خداوند است؛ یعنی معلوم‌ها مصنوع پروردگارند و استدلال‌های عقلی، درخشش چراغ درونی است که خداوند با بیان «و نَفْسٍ وَاٰمَآةٍ سَوَّآءٍ» (الشمس، ۷) و رهنمود «عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» (العلق، ۵) آن را روشن کرد. .. همان طوری که تفسیر متون دینی، علمی است الهی، تحریر ساختار خلقت نظام کیهانی در رشته‌های گوناگون، علمی است دینی.» (جوادی، پیام به همایش، ۱/۱۰/۱۳۹۵)

- مبانی ارزشی: براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی ارزش‌های انسانی بر اساس الگوی اسلامی قابلیت درک و اجرا دارند. ایشان آنچه در تمدن‌های غیر الهی در قالب ارزش‌های اخلاقی و حقوق بشری ارائه می‌شود مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد و امکان تحقق آن در الگوی غیر اسلامی را به دو جهت رد می‌کند:

۱. کف انسانیت: «نجنگیدن هنر نیست و نبردن و دزدی نکردن هنر نیست، این‌ها حداقل انسانیت است ... اما حرف نهایی که اسلام یعنی همه انبیا (علیهم‌السلام) آوردند این است که اگر کسی نسبت به شما ظلم کرد و به شما اهانت کرد قانون عدل، حاکم است: «فَمَنْ اِعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اِعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ وَانْتَقُوا اِلٰهَ وَاَعْلَمُوْا اَنَّ اِلٰهَ مَعَ الْمُتَّقِیْنَ» (البقره، ۱۹۴) و نیز اگر کسی تعدی کرد شما هم به همان اندازه تعدی کنید؛ «وَ جَزَاءُ سَیِّئَةٍ سَیِّئَةٌ مِّثْلُهَا» (الشوری، ۴۰)؛ این حداقل انسانیت است.»

۲. حد اعلائی انسانیت: «اسلام چنین فرمود: «وَ یَدْرُوْنَ بِالْحَسَنَةِ السَّیِّئَةَ» (الرعد، ۲۲؛ قصص، ۵۴). چنین انسان برجسته‌ای به این فکر نیست که در زمان جنگ چه

باید کرد؛ کوشش او این است که جنگی نباشد. مضمون آیه دیگر این است که: «ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ (المؤمنون، ۹۶). بدی را بردار نه بد را. در فضای داخلی یک کشور دستور اسلام این است که اختلاف را بردارید نه مختلف را از پای در بیاورید و این همان است که انسان را به تدریج به قلّه مقام انسانیت می‌رساند» (جوادی آملی (الف)، بیانات، ۱/۱۰/۱۳۹۵).

۳. عناصر تمدن نوین اسلامی: براساس اندیشه تمدنی آیت‌الله جوادی آملی، خودکفایی در امر تمدن‌سازی و کاربست اسلام به مثابه یک دین امری اجتناب ناپذیر و اولویت مطلوب است. آنچه در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد؛ برخی از عناصر اصلی تمدن نوین اسلامی و صورت‌بندی آنها است که براساس ادبیات تمدنی و تحریر اندیشه آیت‌الله جوادی کشف و مورد توصیف و تبیین قرار می‌گیرد. - دین و احکام شریعت: در رویکرد تمدنی آیت‌الله جوادی آملی، آموزه‌های دینی در تاریخ تمدن بشری جایگاه مبنایی و تأسیسی دارد؛ چرا که «زمینه‌ساز شکوفایی فطرت انسان‌ها است». وقتی فطرت شکوفا شود؛ تمدن هم تحقق پیدا می‌کند (جوادی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۹۸). از این منظر دین مبنای و منبع همه‌چیز است (جوادی آملی (الف)، بیانات، ۱/۱۰/۱۳۹۵: همو، ۱۳۸۱ (ب)، ج ۲، ص ۱۵۴). آن دسته از یافته‌های انسانی که وحی را انکار کنند فاقد پایه علمی هستند. اعم از آن‌که شامل موضوعاتی چون آزادی، عدالت و مانند آن باشد (جوادی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۳). مخلص کلام چنان که علامه فرمود این است که: «تمدن ما عین تدین ماست» (جوادی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹).

- انسان: یکی از مؤلفه‌های تمدن‌سازی، وجود انسان است. ایشان در بیان جایگاه انسان می‌فرماید: «مهم‌ترین اصل در تمدن‌سازی، تربیت انسان است. انسانی که خدا او را کریم آفرید و خودش معلم او شد. اگر کسی حرف خدا را نزد حکم خدا را باور نداشت و دستور خدا را عمل نکرد هم از کلاس کرامت بیرونش می‌کنند هم

سردوشی کرامت را از او می‌گیرند هم جامه خلافت را از تنش بیرون می‌آورند و با تازیانه «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (الأعراف، ۱۷۹/فرقان، ۴۴) طردش می‌کنند. حرف همه انبیا این است که انسان کج‌راهِ‌رو که هم بیراهه می‌رود و هم راه دیگران را می‌بندد، نه تنها حیوان است بلکه پست‌تر از حیوان است» (جوادی آملی (الف)، بیانات، ۱۳۹۵/۱۰/۱).

- عقلانیت: برپایه دیدگاه ایشان عقلانیت «عنصری است که انسان را در برابر نفس اماره و شیطانی محافظت می‌کند. لذا جاهل، گناهکار است و عامل به دستوره‌های الهی، عاقل خطاب می‌شود» (جوادی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). در این دیدگاه اندیشه‌ورزی، رابطه بین اندیشه و عمل به شرح زیر دریافت می‌گردد:

عقل نظری ← عقل عملی

اندیشه ← انگیزه

ادراک ← اجرا (جوادی آملی (ب)، بیانات، ۱۳۹۵ / ۱۰/۱)

مطابق تفسیر آیت الله العظمی جوادی آملی از آیه ۷ سوره همزه (جوادی، تفسیر سوره همزه، ۱۳۹۹/۱۰/۲۵) دریافت می‌شود که اندیشه و انگیزه از روح مجرد مایه می‌گیرد و فؤاد (دل) مرکز اندیشه و کار آن، اندیشه و انگیزه است. (بهرورزی لک، دهکردی، ۱۳۹۸، صص ۳۶۸-۳۶۹)

آیت‌الله جوادی آملی انواع عقل (شامل عقل نظری و عملی) را قبول دارد و معتقد است عقلانیت اسلامی به آموزه‌های وحیانی توجه دارد و از آن بهره می‌برد (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۰، ص ۹۸). ایشان در تعریف عقل نظری و عقل عملی می‌فرماید: «عقل نظری متولی اندیشه‌ها است هر چه به بود و نبود یا باید و نباید برمی‌گردد و در حوزه اندیشه و فکر است مسئولش عقل نظری است که نیروی ادراک‌کننده است هم مسائل حکمت نظری را او می‌فهمد هم مسائل حکمت عملی

را». عقل عملی نیرویی است در دستگاه درون ما که مسئول اجراست. او باید فهمیده‌های عقل نظری را پیاده کند.»

ایشان رهنمودهایی را در راستای کاربری عقل بیان می‌کند. به عنوان نمونه «برای تنظیم دستگاه بینش و دانش (عقل نظری)، باید راه‌های برهانی، نظیر فلسفه، حکمت، کلام و عرفان را پیمود و برای تنظیم گرایش (عقل عملی)، باید کارهای عملی را پی بگیریم. «عقل عملی» همه تصمیم‌گیری‌های گرایشی انسان را بر عهده دارد و کارهایی نظیر عزم، اراده، محبت، اخلاق، نیت و... را مدیریت می‌کند. اگر عقل عملی کسی با دعا، مناجات و گریه سر و کار داشته باشد، نرمش صادق می‌یابد و از عقل نظری پیروی می‌کند و بر خلاف رضای خدا کاری انجام نمی‌دهد. خواندن و گفتن شعرها یا نثرهای دلپذیر، در نرمی عقل عملی بسیار مؤثر است» (جوادی آملی (ت)، بیانات، ۱/۱۰/۱۳۹۵).

- آزادی: اساساً یک جامعه بدون برخورداری از حق آزادی امکان حرکت به سوی تمدن را نخواهد داشت. «آزادی باید در راستای تکامل، پیشرفت، ترقی و تعالی فرد و جامعه باشد» (جوادی آملی (الف)، ۱۳۸۴، صص ۱۰۴-۱۰۵). یکی از نمونه‌های مورد توجه در این زمینه آزادی اندیشه یا به تعبیر آیت‌الله العظمی جوادی "آزاد اندیشی" است. ایشان ضمن تحریر مسئله دیدگاه‌های نادرست درباره آن را نقد و درباره نسبت آزاد اندیشی با مبانی معرفت‌شناسی دینی می‌فرماید: «آزاد اندیشی نه به این معنا که بی‌مرز فکر می‌کنند، بلکه آن قدرت اندیشه‌شان در رهن و وام و اجازه و استجاره چیزی نیست، حر است. وقتی این قدرت حر و آزاد بود، دست و بال مطلب را هم آزاد می‌کند، نه اجازه می‌دهد اشکالی به حرم امن این مطلب بار یابد و نه اجازه می‌دهد شبهه وارد شده بماند. این مطلب را آزاد می‌کند از هر قیدی، از هر شبهه‌ای، از هر نقدی که قابل قبول باشد. این نصیب هر کس نیست، کسبی هم نیست.»

آزاد اندیشی از لوازم تمدن نوین اسلامی و ضامن بقا و سرزندگی آن است. حریت علم را آزاد و به منصفه ظهور می‌رساند. ایشان می‌فرماید: «آزاد کردن غیر از شرح کردن است. مجمل را مفصل کردن غیر از تحریر کردن است. مبهم را معین کردن و مبین کردن غیر از تحریر است. طرزی مطلب را باز کند که دالان ورودی و خروجی مشخص باشد، صدر و ذیل مشخص باشد، اوج و حقیض مشخص باشد» (جوادی، ۱۳۸۸، صص ۲۷-۲۸)

- بهره‌مندی از میراث گذشته: آیت الله جوادی توجه خاصی به میراث پیشینیان دارد و در این زمینه مجموعه تلاش‌های گذشته را مورد بحث قرار می‌دهد و در این زمینه این سؤال مهم را مطرح و در راستای پاسخ به آن هستند که: «این‌ها چگونه در پی ارائه یک نظام جامع نظری و عملی بودند». (جوادی، ۱۳۹۰، ص ۲۲). برخی از شاخصه‌های میراث گذشته از منظر ایشان عبارتند از:

۱. ساختن مدرسه، حرم، مسجد، بیمارستان و غیره که در حکومت‌های شیعی باعث توسعه شیعه و علماء و تمدن‌سازی می‌شوند.

۲. توسعه حوزه‌های علمیه که اساس آن مربوط به حوزه علمیه امام باقر (ع) و پس از آن حوزه علمیه امام صادق (ع) است و بزرگانی همچون شیخ کلینی و صاحب بخاری در آن درس خوانده‌اند.

۳. راه‌اندازی کتابخانه‌ها

۴. تأسیس مراکز و نهادهای علمی با عنوان دارالعلم، بیت الحکمه و نظامیه‌ها؛ چنان‌که دانشگاه آکسفورد کنونی الگو گرفته از همان نظامیه بغداد است.

۵. پرورش دانشمندان، علماء و مخترعان که شاخصه بسیار مهمی است، اگر در جامعه‌ای مردم برای دانشمندان احترام قائل شوند، آن جامعه، جامعه‌ای متمدن خواهد بود (جوادی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰).

۶. سلوک علمی و عملی پیشینیان و هم‌اوردی با آنها در خودکفایی (جوادی، ۱۳۸۸، صص ۳۰-۳۵)

- حکومت ولایی: یکی از مؤلفه‌های مهم در تمدن‌سازی، خلاقیت است. آیت‌الله جوادی چگونگی دستیابی به این پویایی و خلاقیت را در استفاده از عقلانیت و آزادی در پرتو دین می‌داند که زمینه آن باید توسط نظام سیاسی و حاکمیت فراهم شود (جوادی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۲۱).

کانون اصلی این اندیشه بر محور ولایت است. علامه در تعریف این اصل نیز از قرآن و عترت بهره برده و براین عقیده است که منظور از ولایت این است که «همه باید زیر سایه ولایت‌الله باشند یعنی اول ولایت خدا، بعد ولی خدا و بعد از ولایت پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) ولایت فقیه را در عصر غیبت بپذیرند». در راستای همین اصل است که ایشان قیام امام حسین (ع) را یک حرکت تمدن‌ساز تلقی می‌کنند.

در اندیشه تمدنی آیت‌الله جوادی، لازمه فهم جایگاه ولایت در تمدن نوین اسلامی، «تدین‌نو» است. ایشان در تبیین این مسئله و با استفاده از منابع اصیل دینی و گرایش برهانی می‌فرماید: «مراد از اسلام‌شناسی، این است که دینی که جنگ، صلح، حدود، قصاص، دیات، قضا و مانند آن داشته باشد، به‌طور قطع، مجری و متصدی لازم دارد. اگر کسی اسلام‌شناس باشد و دین الهی را خوب تصور کند، تصدیق به لزوم تشکیل حکومت نزد او، امری بدیهی خواهد بود... پس اگر ابهامی در مسئله لزوم حکومت و ضرورت حاکمیت در اسلام هست، در تصور ناصواب از دین الهی و شناخت ناقص از اسلام، ریشه دارد.» (جوادی، ۱۳۸۷، صص ۴۴۲-۴۴۵). ایشان ضمن تحریر مسئله وجوب حکومت ولایی به عنوان الگوی معیار حکومت در تمدن نوین اسلامی، برخی از ویژگی‌های آن را بیان کردند که به شرح زیر عبارتند از:

۱. حکومت عقل و عدل: «حکومت ولایی حکومت عقل و عدل است که از قرآن و عترت گرفته می‌شود.»
 ۲. مدار ولایت: «هیچ تحول اساسی در اسلام خارج از فضای ولایی رخ نمی‌دهد.»
 ۳. در رأس این تمدن و مدینه فاضله، امام، انسان کامل و حضرت ولی عصر (عج) قرار دارد.
 ۴. الگوی مهدوی: «الگوی نظام اسلامی ایران تابعی از مدینه فاضله مهدوی است؛ یعنی اداره جامعه در زمان غیبت، به دست نایب ائمه معصومین (ع) یعنی فقیه جامع‌الشرایط خواهد بود که به تطبیق قوانین اسلام و اجرای آن در زمینه‌های مختلف اجتماعی مبادرت می‌ورزد» (جوادی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹).
 ۵. شایسته سالاری: «جامعه و مسئولان در این حکومت الهی و مدینه فاضله اسلامی از کمالات و شایستگی‌هایی چون تخصص و تعهد، اتقان و پایداری در مسئولیت، اخلاص در کار، تناسب فرد با مسئولیت، خلاقیت، نظم و محاسبه‌گری، اصلاح و تحول به منظور پیشرفت و هدفمند بودن برخوردار هستند.»
 ۶. رشد جامع: «امکان دست‌یابی به رشد و پیشرفت همه‌جانبه در نظام اسلامی وجود دارد.» (جوادی آملی (ج)، بیانات، ۱۰/۱/۱۳۹۵).
- رشد علمی: یکی از محورهای مهم در تمدن نوین اسلامی علم است. آیت‌الله العظمی جوادی با استفاده از نگرش دینی و براهین عقلی بر وجوب علم به عنوان یکی از نشانه‌های رشد و معرفت دینی تأکید می‌کنند.
- ایشان در تقریر حدیث شریف: «أَنَّما الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ وَ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ» علم را شامل سه بخش اصلی علم را شامل اصول دین، فقه و اصول و اخلاق می‌دانند و بقیه علوم را ذیل این سه قرار می‌دهند. (جوادی، ۱۳۸۸، ص ۲۳).
- مطابق این امر هر علمی در تناسب با تمدن و جامعه‌سازی باید در قالب یک مکتب مورد بررسی و بازتولید قرار بگیرد فقه تمدنی، اخلاق تمدنی از این نمونه است.

اخلاق اسلامی موضوعی کلان و فراگیر است و آینده اندیشی و تمدن سازی در ذیل آن قرار می‌گیرد (بهریزی لک و دهکردی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۳). ایشان در تبیین جایگاه فقه به عنوان جوامع العلم و نسبت آن با ابعاد مختلف حیات دینی می‌فرماید: «اگر کسی وارد حوزه‌های دیگر هم بشود و از فقه آگاه نباشد همین ارتطام به چالش و چاله را دارد.... اگر کسی بدون آگاهی به مسائل فقهی وارد تجارت بشود، گرفتار ربا خواهد شد. می‌توان گفت کسی وارد حوزه هنر شد به غیر فقه در چاله و چالش می‌افتد، وارد سیاست شد بدون فقه به گودال می‌رود، وارد مسائل اجتماعی شد به غیر فقه به چاله می‌افتد. این جزو جوامع الکلم است، مخصوص پیغمبر نیست. ائمه هم که به منزله جان پیغمبرند همین مطلب را دارند.» (جوادی، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

ایشان جایگاه علم و خاصه علم دینی را مورد توجه قرار داده و در این زمینه بر نخبگی، خوش فکری و استعدادی فراگیران علوم دینی و جایگاه حوزه در تبیین تازگی اسلام و ارائه چهره ملکوتی نظام اسلامی تأکید می‌کنند (جوادی آملی، د)، بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۲). آیت‌الله جوادی آملی سلوک علمی شهید مطهری را به عنوان مدار دانش‌ورزی و نمونه‌ای از «حکمت دانشوری» در دوران معاصر بیان کرده و با عبارت «مالک علم» (در مقابل مستعیر، مستأجر، مدین و مرتهن) از ایشان یاد می‌کنند چرا که: «آن که عالم است کسی است که مالک علم باشد و کسی مالک علم است که کاری به عاریه و اجاره و دین و رهن نداشته باشد.»

ایشان با تأکید بر «علم ربانی»، برخی از خصوصیات عالم ربانی را این گونه بیان می‌کنند: «اینها قبل از اینکه به حرف‌های دیگران بنگرند، خودشان فکر می‌کردند. با این سرمایه وارد می‌شدند بعد تجارت می‌کردند. تبادل می‌شد، تعامل می‌شد، تقابل می‌شد، تعاطی می‌شد، اعطا و اخذ می‌شد، یک جهاد علمی بود. این از خصایص کسانی است که بخواهند عالم ربانی بشوند.» از دیگر ویژگی‌های این افراد بهره

مندی از «علم الوراثة» است که علامه آن را در برابر «علم الدراسة» بکار می‌برد. درباره قداست این علم و رابطه آن با ملکوت عالم به حدیث حضرت امیر(ع) استناد می‌کنند که فرمود: «مَنْ عَمِلَ بِمَا عِلْمَ وَرَثَتِهِ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.» (جوادی، ۱۳۸۸، صص ۲۵-۲۷).

در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی مجموعه‌ای از علوم تحت راهبرد دین امکان حضور دارند. باور ایشان این است که: «تمدنی که ما از آن صحبت می‌کنیم، ظرفی است که محتوای آن حاصل ترکیب مواد مختلف است. این تصور که علوم تجربی این تمدن را درست کرده تصور درستی نیست و ناقص است. واقعیت این است که مجموعه‌ی علوم با کمک هم فرهنگ و ساختار را درست می‌کنند، روابط را شکل می‌دهند، دانش تولید می‌کنند، سبک زندگی را تعریف نموده و حق و باطل را معین می‌کنند» (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۴، ص ۲۸).

ایشان رشد علمی را در علوم مختلف (اعم از علوم تجربی، علوم عقلی، علم شهودی) می‌پذیرد و بر این باور است که دست یابی به این رشد الزاماتی دارد که عبارتند از: ۱- پیشرفت علوم تجربی که با تفسیر نظام فاعلی و غایی همراه باشد. ۲- رشد علوم عقلی که همراه کتاب و سنت باشد. ۳- علم مطلوب و رشد یافته، با تزکیه هماهنگ است. (جوادی آملی (ج)، بیانات، ۱۳۹۵/۱۰/۱).

این رویکرد تمدنی مبتنی بر جامع‌نگری علمی و آزاداندیشی است. امکان حیات و پویایی علوم و دستاوردهای بشری را در پرتو چهره ملکوتی تمدنی اسلام تضمین و مورد تأکید قرار می‌دهد و از آن برای سعادت‌مندی و تقرب در بندگی بهره می‌برد. ایشان در نقد فضای علمی موجود و رسالت علمی تمدن نوین می‌فرماید: «رسالت این تمدن نوین دفاع از انسان و تبدیل کارخانه‌های سلاح آدمکشی به سلاح دفاعی است (جوادی، ۱۳۹۰، ص ۴۳).

- رشد فرهنگی: یکی از محورهای اصلی در این حوزه، توجه به رشد فرهنگی

است. در این مجال به ابعاد این رشد یعنی رشد اخلاقی، ارزشی و هنری اشاره می‌شود.

یکی از عناصر مهم تمدن نوین اسلامی توجه به ارزش‌های اخلاقی و وجه فضیلت‌گرای آن است. آیت‌الله العظمی جوادی رشد اخلاقی و روحی جامعه را به‌عنوان هدف مدینه فاضله کانون توجه قرار داده و در مقام تحریر و تقریر یک پرسش مهم را مطرح می‌کنند: «تمدن را برای چه هدفی می‌خواهیم؟»

رویکرد ایشان در پاسخ به این سؤال توجه به مبانی ارزشی تمدن نوین اسلامی است که تجلیات آن در دو اصل «تشخیص حق از باطل و عمل به حق» قابل دریافت است. ایشان بر این باور است که: «اگر پاسخ این باشد که تمدن را برای تحقق ارزش‌ها می‌خواهیم، دین در رأس می‌نشیند؛ چون ارزش‌های اسلامی را دین تعیین می‌کند؛ بنابراین در این منطقی نمی‌پذیریم که عقل در کنار وحی منبع سعادت محسوب شود» (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۴، ص ۲۸).

یکی دیگر از ملاک‌های مهم در رشد اخلاقی، تربیت انسان مسلمان است. انسانی که از این ویژگی‌ها برخوردار است: حیات عقیقانه، برخوردار از کمال ادب در روابط با دیگران، خانواده محور، دارای نیت خالص، برخوردار از سلامت جسمی و ورزش، آینده‌نگر، عاقل و هوشیار، عامل هدایت و در نهایت شریف و شکرگزار نعمت.

یکی از مصادیق این رشد توجه به جایگاه و نقش زن در تمدن‌سازی است. دیدگاه علامه در کتاب «زن در آئینه جلال و جمال» بر این پایه استوار است که زن مانند مرد می‌تواند با استفاده از آموزه‌های دینی و البته قرآنی و استفاده از عقل و شهود، خود را شکوفا کند و خلاق تمدن باشد. ایشان دیدگاهی را که مدعی است زن به دلیل نقصان نقشی در تمدن ندارد، رد می‌کنند و در مقام رهنمود می‌فرماید اگر همان شرایطی که برای مردها فراهم شده برای زن‌ها هم فراهم شود، آن‌ها هم

می‌توانند در مسیر تعالی گام بردارند (جوادی، ۱۳۸۱، ص ۷۸).

مقوله هنر یکی دیگر از ابعاد تجلیات تمدنی است. هنر نشانه و سبب رشد است و در هویت بخشی تمدن نوین اسلامی نقش به سزایی دارد. آیت‌الله جوادی آملی در تبیین معنای هنر معتقد است: هنر تجلی معقول در دستگاه خیال است که با خروجی جماد محسوس عجین می‌شود؛ بنابراین سه عنصر معقول، خیال و محسوس باید باشد تا هنر دینی باشد (جوادی آملی (ج)، بیانات، ۱۳۹۵/۱۰/۱). از منظر ایشان هنر به مثابه تطبیق حکمت و شریعت در دستگاه اندیشه دینی از جایگاه مهمی برخوردار است و رسالت بالایی دارد: «ساختار دین ما هنری است و باید با ابزار هنر و هنرمندانه ترویج شود و به دنیا شناسانده شود (همان). رویکرد ایشان به هنر اصیل و هنرمند متعهد به شرح زیر است:

۱. هنرمند واقعی کسی است که توانایی داشته باشد سخن وحی را درک کند و به عالم حس بیاورد. ۲. باید وحی را خوب بشناسد. مشهود را از دلالتی صحیح به معقول تبدیل کند، بعد معقول را متخیل کند و متخیل را محسوس کند تا قابل عرضه باشد. ۳. باید چهارضلعی باشد؛ یعنی وحی‌شناس، معقول‌شناس، متخیل‌شناس و محسوس‌شناس باشد تا بتواند دست به کار شود. ۴. از نگاه کریمانه و عاشقانه نسبت به جهان برخوردار باشد. ایشان برای تبیین این مسئله مثالی از زندگی رسول‌الله (ص) می‌زند و می‌فرماید: «حضرت رسول (ص) نگاهی عاشقانه به جهان دارد؛ نه فقط نگاه عالمانه و عاقلانه... همه را با چشم کرامت می‌دیدند، نه فقط انسان‌ها را» (جوادی آملی (ج)، بیانات، ۱۳۹۵/۱۰/۱). ۵. هنرمندانه دین را به مردم برساند و تبلیغ کند. ۶. هنر امری اجتهادی و علمی و عقلی است. قوه خیال در بخش اندیشه اگر تربیت شود، باید در اختیار عقل و نظر باشد تا در مواقع ضروری از حس خودش مجتهدانه وارد نشود و از عقل کمک بگیرد. ۷. به علم النفس توجه ویژه داشته باشد. (جوادی آملی (ج)، بیانات، ۱۳۹۵/۱۰/۱).

وجود دو شاخصه بارز تعهد و سبک در این دیدگاه و مشابهت آن با دیدگاه‌های رهبران نظام اسلامی ایران در دوران معاصر بیانگر اهمیت مقوله هنر و جایگاه آن در در مسیر دستیابی به وضعیت مطلوب در تمدن نوین اسلامی است. (کریمی و افشاری، ۱۳۹۷، صص ۵۰-۶۴)

-رشد اقتصادی و صنعتی: یکی دیگر از ابعاد مهم پیشرفت در نظام فکری آیت‌الله العظمی جوادی آملی، رشد اقتصادی است. از آنجا که رشد اقتصادی همسو با نیازهای مردم هر عصر بوده و یکی از ویژگی‌های عصر حاضر پیشرفت صنعتی است؛ ایشان به شاخصه پیشرفت صنعتی در نظام اسلامی عنایت ویژه‌ای داشته و بر این عقیده است که: «اصل فرایند صنعتی در حکومت اسلامی ممدوح و مورد ترغیب است». مشروط به آنکه نخست بهره‌برداری درستی از صنایع پیشرفته بشود یعنی پیشرفت در راستای نیازهای علمی و عملی مردم آن عصر باشد و ثانیاً در جهت خودکفایی جامعه گام برداشته شود.

معیار سنجش پیشرفت و کمال در این شاخه توجه جدی به دو مسئله «نقش افراد در رشد اقتصادی» و «وظایف دولت در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی» است. خودکفایی زمانی رخ می‌دهد که عناصر و ارکان جامعه در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی متحد و هم‌صدا گام بردارند.

آیت‌الله جوادی مختصات خودکفایی را این‌چنین برمی‌شمرند: مکلف کردن خود به حرکت برای توسعه، تشویق دیگران به علم، انتظار نداشتن از دشمن برای پیشرفت، حضور جدی مسئولان در صحنه، رشد و توسعه علمی، واقع‌نگری در توجه به اهداف، آبادانی کشور، دفاع از الگوی نظام اسلامی به عنوان خیمه، حفاظت از دستاوردها و توانایی‌ها و ظرفیت‌ها، توجه به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توانایی و اراده اجرایی با حضور مردم به عنوان ستون محکم نظام، توجه به نماز به عنوان ستون محکم نظام، توجه به تجارب ارزشمند تمدن ایرانی

(جوادی آملی (الف)، سخنرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۱)، سیال بودن ثروت در میان مردم، کار و تلاش برای تأمین زندگی و به عنوان تکلیف الهی، حفظ و نگهداشت سرمایه‌های خدادادی و حرام بودن سرمایه خواری (جوادی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۵۴): فرهنگ صحیح مصرف (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۵۴) و در نهایت توجه به نیازهای نسل‌های آینده (جوادی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۵۴).

در هندسه معرفتی علامه، تحقق اصل خودکفایی جز در راستای توسعه کوثری ممکن نخواهد بود. منظور از توسعه کوثری چنانکه علامه تصریح می‌کند؛ اهمیت مقوله پایداری و همه‌جانبه نگر بودن و توجه به نسل آینده در تمدن نوین اسلامی است (همان).

- رشد حقوقی: یکی دیگر از ابعاد مهم رشد بر اساس نظام اندیشه‌ای آیت الله جوادی، رشد حقوقی است. ایشان امکان قانون‌گذاری درباره نظام کلان هستی را از انسان و عقل انسانی سلب می‌کند و در تبیین جایگاه عقل دینی می‌فرماید: «باید بدانیم که بشر قانون‌گذار نیست عقل قانون‌گذار نیست عقل قانون‌شناس است به نحو سالبه کلیه، ذره‌ای قانون‌گذاری به عقل واگذار نشده به هیچ طبیعی، به هیچ فقهی، به هیچ اصولی‌ای، به هیچ حکیمی، حق قانون‌گذاری داده نشده؛ قانون‌گذار فقط خداست، عقل، قانون‌شناس خوبی است عقل، سراج است نه صراط، او چراغ است نه راه، زیرا موضوعات را خدا آفرید محمولات را خدا آفرید رابطه موضوع و محمول را خدا آفرید. بشر به هیچ وجه قانون‌گذار نیست: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ» (یوسف، ۴۰): اما قانون‌شناس خوبی است. خدای سبحان یک چراغ پرفروغی در درون انسان‌ها افروخت و با وحی و الهام ائمه اطهار و پیامبر (ع) به عنوان «و یثیروا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (امام علی بن ابیطالب، ۱۳۸۱، خطبه ۱). این فتیله چراغ را بالا کشید. آنچه را که خودش آورد به بشر تفهیم کرد، آنچه را که از درون بشر برخاست برای او تبیین کرد، بشر شده قانون‌شناس خوب نه قانون‌گذار» (جوادی

آملی (ب)، بیانات، ۱۳۹۵/۱/۱۰).

در این راستا تفکر تمدن‌ساز دینی باید توانایی مدیریت فعال و پویا در عرصه اجتماعی را مبتنی بر چارچوب فهم دینی داشته باشد. از این رو یکی از ابعاد مهم رشد حقوقی حضور عزتمندانه و قوتمند در عرصه داخلی و بین‌المللی است. ایشان تحقق این امر را منوط به حضور قوانین اسلامی و مسئولان دینی (جوادی آملی (ب)، سخنرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۱) در سه بعد نظری، اجرا و نظارت می‌دانند؛ مشروط به اینکه در راستای اصول زیر انجام گیرد:

۱- مجریان نخستین این قانون، انسان‌های وارسته و معصوم‌اند. در عصر غیبت نیز کارگزاران حکومت دینی، کسانی هستند که انگیزه حفظ قانون و عمل به آن را دارند و آن انگیزه، از همان اعتقاد و عبادت ایشان برمی‌خیزد.

۲- قانون الهی، خود از منابع بسیار مهم حقوق و قانون‌گذاری در قوه مقننه است که اعمال نظارت بر رعایت موازین آن از سوی شورای نگهبان صورت می‌گیرد. اسلام، مردم را ناظر حسن اجرای قانون دینی و الهی قرار داده و امر به معروف و نهی از منکر را بر همه واجب کرده است.

۳- تحقق صلح عادلانه و پایدار جهانی که مورد تأکید اسلام است، نه تنها نباید تن به تباهی ظلم داد و به آن مباحثات کرد، بلکه باید جلوی هرگونه تعدی را گرفت، وگرنه فساد اولاً زمینه ضعف مراکز عبادی - فرهنگی را فراهم می‌کند و ثانیاً به گستره زمین و اهل آن می‌رسد. از نظر ایشان، راه تأمین صلح عادلانه به کیفیت بهره‌وری از علوم عقلی کامل شده توسط اسلام برمی‌گردد (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴).

- تعامل با دیگران: یکی از خطوط اصلی در تمدن نوین اسلامی تعامل با دیگران است. آیت الله جوادی، تعامل مسلمانان با دیگران را در سه سطح، «اسلام و مسلمین»، «موحدان عالم» و «انسانیت» تعریف می‌کند. ایشان با نگاهی عمیق و

ظریف شعار معروف «نه شرقی و نه غربی» را از منظری نو بررسی و به دو نتیجه مجزا می‌رسد.

نخست، حوزه علمی: علامه بر این عقیده است که: «شعار علمی خواص در بخش‌های علمی و تحقیقی باید شعار «چه شرقی و چه غربی» باشد، یعنی دین می‌گوید حرف علمی و منطقی را باید از هر کجا شنیدید بپذیرید ... وقتی انسان اهل فهم و استدلال شد می‌گوید چه شرقی و چه غربی و به این منظور باید راه صدور و ورود مسائل علمی و د/بلکاملاً باز باشد. دوم، حوزه سیاسی و تعامل: در بحث استقلال، نه شرقی و نه غربی کاملاً درست است» (جوادی آملی (چ)، بیانا، ۱۳۹۵/۱۰/۱).

- مواجهه با تمدن‌های بیگانه: یکی از خطوط مهم در تمدن نوین اسلامی شناخت موانع و مشکلات و رویارویی با آنها است. یکی از عینی‌ترین این موانع تمدن‌های بیگانه است که در هندسه معرفتی علامه با تعبیر "تمدن غرب" از آن سخن به میان آمده است. ایشان مبانی این تمدن را نقد و خطوط اصلی آن را در موارد زیر بیان می‌کند: پوچ‌انگاری (نیپیلیسم)، غیردینی و غیر قدسی شدن امور (سکولاریسم)، اصالت‌دادن به عقلانیت ابزاری (سوژکتیویسم)، انسان‌مداری قانون‌گذار (اومانیزم)، تلقی جامعه پیشرفته در پیشرفت تکنیکی (مدرنیته) (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۸)، سلب آزادی و حقوق (جوادی، ۱۳۹۰، ص ۸۴)، اصالت تجربه (تجربه‌گرایی حسی) و انحراف علوم انسانی در غرب (جوادی آملی (الف)، ۱۳۸۰، ص ۶۰).

از محورهای مهم در نقد تمدن غرب، عدم توازن در کاربست عقل و تجربه و پیامدهای جدی ناشی از این کج اندیشی در این رویکرد است. آیت‌الله جوادی آملی درباره جایگاه تعقل در پیشرفت دانش بشری و نگرش دینی می‌فرماید: «جایگاه عقل بسیار مهم است، اعتقادات با عقل اثبات می‌شود، به تولید

دانش کمک می‌کند، باعث فهم دین می‌شود. همه‌ی این‌ها بسیار قیمتی است؛ ولی نه به قدری که آن را کنار وحی بنشانیم یا بدتر از آن، تجربه را کنار وحی بنشانیم. در واقع، عقل و تجربه باید در خدمت جریان وحی باشد» (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۴، ص ۲۸).

ایشان دیدگاهی که تجربه و عقل را مبنای شناخت و درک عالم و ملاک حقیقت قرار می‌دهند؛ ناقص و معیوب می‌دانند. به تعبیر آیت‌الله جوادی، تجربه نور است و اگر از حد بگذرد به ضد خود تبدیل می‌شود و این همان است که در غرب رخ داده و نگاه تجربه محور حاکم بر انسان امروزی سبب طغیان او شده است. ایشان تجربه و عقل را ابزارهایی می‌داند که در یک جهت قرار دارند مشروط به آنکه نسبت آنها با وحی روشن شود. می‌فرماید: «تجربه هرگز با وحی تضاد ندارد؛ بلکه هرکدام ابزارهایی هستند که در حد خودشان و در شرایط آرمانی، همسو با هم قرار می‌گیرند. ممکن است در جایی تنگناها اجازه ندهند که تجربه حرکت کند. تجربه مسیر خودش را می‌یابد و تسلیم است. در مورد عقل هم همین شرایط حاکم است» (جوادی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸).

از مقولات دیگر مورد توجه؛ انحراف علوم انسانی در غرب است. آیت‌الله جوادی در این زمینه معتقد است: «دست غرب از منبع خالی است، لذا در این تفکر، انسانی که به عنوان خلیفه‌الله باید جانشین خدا در زمین باشد؛ جایگزین خداوند می‌شود و تفکر منحوس اومانیسیم همین است که انسان بر اساس هوای نفس خود جای افراد و اشیاء را معین کند. فقدان منبع وحیانی، غرب را به اومانیسیم رسانده است، کشتارهای جنگ‌های جهانی اول و دوم و قرآن سوزی و کشیدن کاریکاتورهای اهانت‌آمیز محصول همین تفکر اومانستی است» (جوادی آملی (الف)، ۱۳۸۰، ص ۶۰). معظم له دلایل انحراف علوم انسانی در غرب را با ذکر مثالی بیان می‌کند. در مجالس قانون‌گذاری یک سری مواد حقوقی برای انجام امور

مملکت وضع می‌شود که قانون‌گذاران آن مواد حقوقی را از یک سری مبانی مانند آزادی، استقلال، برابری و ... می‌گیرند. در میان همه مبانی، «عدل» یک جایگاه محوری دارد که سایر مبانی از آن اخذ می‌شوند و معنای عدل نیز برای همه روشن است؛ عدل یعنی هر چیز را در جای خود قرار دادن تا این مرحله بین ما و غرب اشتراک وجود دارد؛ اما تفاوت ما و غرب در این است که ما مبانی خود را از منبع یعنی وحی می‌گیریم. اینکه جای افراد و اشیاء کجاست را تنها افراد آفرین و اشیاء آفرین می‌توانند مشخص کنند.

در دیدگاه حضرت آیت‌الله جوادی آملی تمدن غرب مصداق جاهلیت مدرن است چراکه در تداوم کار مشرکان و کافران به تمسخر و تکذیب پیامبران می‌پردازد. پیامد این تمدن آن است که در هر جایی که حضور پیدا می‌کند هم جامعه انسانی گرفتار می‌شود و هم جنگ‌های جهانی گسترش می‌یابد. (جوادی آملی (الف)، سخنرانی، ۱۳۹۳)

نتیجه‌گیری

اندیشه تمدنی آیت‌الله العظمی جوادی آملی هم راستا با تمدن نوین اسلامی است. در این اندیشه ضرورت تحقق تمدن نوین اسلامی با ماهیت آن تلازم جدی دارد. به همین جهت اندیشیدن درباره تمدن نوین اسلامی از اولویت‌ها است. برخی از ویژگی‌های کلی این اندیشه را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- مفاهیم و مبانی این اندیشه برگرفته از منابع اصیل اسلامی، سنت علمی حاکم بر میراث عظیم و پرمایه شیعی و آگاهی نسبت به مسائل امروز جهان اسلام و دیدگاه‌های رقیب است. این اندیشه در دو سطح نظر و عمل از ویژگی‌هایی چون: ارزیابی سنجیده، داوری منصفانه، ساختار منطقی، روشمندی علمی و ارائه رهنمودهای جامع برخوردار است. رویکرد جهانی؛ اما انتقادی و خلاق به انسان معاصر و مبانی تمدن‌های بیگانه و از جمله تمدن مادی و انحصارگرایی غرب دارد

و با رویکرد تمدنی توسعه کوثری در برابر توسعه تکاثری غرب؛ الگوی تمدن نوین اسلامی را ارائه می‌دهد.

۲. از دیدگاه ایشان تمدن نوین اسلامی امری مطلوب و اجتناب ناپذیر، پیوسته با تمدن پیشین بشری و همسو با هدف خلقت است. تمدن‌های بشری برپایه شریعت الهی پاگرفته و اسلام توانایی این را دارد تا این تجربه را به گونه‌ای نو، خلاقانه و متعالی متجلی کند. این اندیشه از الگوی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بهره گرفته و غایت آن اتصال به مدینه فاضله مهدوی است.

۳. ایشان دست یابی به حیات کوثری را بر مبنای نگرش قرآنی به عنوان چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی مطرح می‌کند. دین، عقلانیت، آزاد اندیشی، رشد، علم، اخلاق، سیاست، جامعه و خلقت را به عنوان پایه‌های این تمدن نوین در دو سطح ملکی و ملکوتی مورد توجه قرار داده و در صورت‌بندی تمدن نوین اسلامی ضروری می‌داند. در دیدگاه ایشان گام نخست برای تحقق تمدن نوین اسلامی، تغییر رویکرد به فهم دینی یا تدین نو است. مفاهیم و مبانی این نظریه تمدنی در چهار دسته مبانی معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزشی قابل دسته‌بندی است و مفاهیم تأسیسی آن برگرفته از تفکر دینی و اندیشه‌ورزی حکیمانانه این حکیم متاله معاصر است.

۴. از دیگر محورهای مورد توجه در این اندیشه نسبت تمدن نوین اسلامی با گذشته، جهان معاصر و آینده است. از دیدگاه ایشان میراث معرفتی و تمدنی مسلمانان و شیعه، نقش سازنده‌ای در خودکفایی موزون تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کند. رویکرد تمدن نوین اسلامی بر مدار اسلام، در جهت دست‌یابی به وضعیت مطلوب، حیات ابدی انسان و هدف انسان‌آفرین است. الگوی تمدن نوین اسلامی در این دیدگاه خودکفا، پایدار، جامع‌نگر، آینده‌گرا، بر پایه وحی و بهره‌مند از میراث گذشته است.

یادداشت

۱. «فلسفه، مهم‌ترین خدمتی که به علوم می‌کند این است که آنها را الهی و دینی می‌نماید زیرا ثابت می‌نماید که یکی از اصول و جامع هستی‌شناسی، نظام علت و معلول است و معلول نسبت به علت خود، وجود رابط (نه رابطی) بوده و علت در قیاس به معلول، مستقل است و سلسله «به‌هم‌پیوسته علل و معالیل، به واجب‌الوجود منتهی می‌شود که صدر و ساقه» جهان آفرینش، صنع اوست و چون خداوند، حکیم محض است، صنعت او با حکمت و هدفمندی مطرح است و سلسله علل فاعلی به فاعل بالذات ختم می‌شود و سلسله علل غایی به غایت و هدف بالذات مختوم می‌گردد و خداوند، فاعل بالذات: هو‌الاول و غایت بالذات: هو‌الآخر است؛ پس جهان، مخلوق خداست و تمام علوم به خلقت‌شناسی برمی‌گردد؛ یعنی موضوعات مسائل، محمولات آنها و ترتب محمول‌ها بر موضوع‌ها، همگی صنع خداست و هر رشته‌ای از علوم تجربی و ریاضی و تجربیدی، پژوهش کار خدا را به عهده دارد؛ بنابراین، فرض ندارد که علم از آن‌جهت که علم است، سکولار باشد، هرچند ممکن است عالم از جهت دین‌باوری یا خلاف آن سکولار باشد (جوادی، پیام به همایش، ۱۳۹۵/۱۰/۱). صادقی و خاکی در مقاله خود به این نتیجه دست یافتند که علامه تولید علم دینی را در تمدن نوین اسلامی امری ممکن و مطلوب می‌داند. در عین حال آسیب‌های نظری این الگو را بررسی و ارزیابی نمودند (صادقی، قراملکی، ۱۳۹۸، صص ۱-۳۶)

کتابنامه

قرآن کریم

امام علی بن ابیطالب (ع) (۱۳۸۱)، نهج البلاغه، جمع آوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: انصاریان.

بهروزی لک، غلامرضا و دهکردی، علی جعفر (بهار و تابستان ۱۳۹۸)، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲، شماره ۳، ۱-۳۵۳-۳۸۶.

پارسانیا، حمید (بهار ۱۳۹۰)، فلسفه حقوق بشر، اسراء، سال ۳، شماره ۳، پیاپی ۷، ۱۲۹-۱۴۶.

جوادی، عبدالله (۱۳۸۴)، بنیان مرصوص، قم: اسراء.

جوادی، عبدالله (۱۳۶۳)، مجموعه‌ی سخنرانی‌ها پیرامون ولایت فقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

جوادی، عبدالله (۱۳۷۲)، شریعت در آینه‌ی معرفت، تهران: نشر فرهنگی رجاء.

جوادی، عبدالله (۱۳۷۴)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد ۸، تهران: نشر رجاء.

جوادی، عبدالله (۱۳۷۸)، ولایت فقیه ولایت فقه و عدالت، قم: اسراء.

جوادی، عبدالله (۱۳۸۰)، صورت و سیرت انسان در قرآن (الف)، قم: اسراء.

جوادی، عبدالله (۱۳۸۰)، انتظار بشر از دین (ب)، قم: اسراء.

جوادی، عبدالله (۱۳۸۸)، حقیقت موزون، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.

جوادی، عبدالله (۱۳۸۱)، زن در آینه‌ی جمال و جلال، قم: اسراء.

جوادی، عبدالله (۱۳۸۱)، نسبت دین به دنیا، جلد ۲، قم: اسراء.

جوادی، عبدالله (۱۳۸۴)، فلسفه‌ی حقوق بشر، قم: اسراء.

جوادی، عبدالله (۱۳۸۵)، حق و تکلیف در اسلام، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، جامعه در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی، عبدالله (۱۳۸۸)، مفاتیح الحیات، قم: اسراء.

جوادی، عبدالله (۱۳۹۰)، *منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی*، قم: اسراء.

جوادی، عبدالله (۱۳۹۳)، *معرفت‌شناسی در قرآن*، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹/۱۰/۱)، "بیانات در دیدار پروفیسور مارکو ساسولی استاد برجسته حقوق بین‌الملل بشر دوستانه دانشگاه ژنو"، خبر حوزه: آرشیو پایگاه اینترنتی صراط نیوز (seratnews.ir). ۵ (الف)

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵/۱۰/۱)، "بیانات در همایش غدیر"، آرشیو پایگاه اینترنتی صراط نیوز، (seratnews.ir) (ب)

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹/۱۰/۱)، "بیانات با عنوان موسیقی عارفانه از نظر آیت‌الله جوادی آملی حفظه الله"، آرشیو پایگاه اینترنتی صراط نیوز، (seratnews.ir) (ت)

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰/۱۰/۱)، "بیانات در دیدار بهداد سلیمی قهرمان وزنه‌برداری جهان، جمعی از مسئولین و رؤسای ورزشی شهرستان‌های استان مازندران و تعدادی از هیئت‌های ورزشی و قهرمانان رده‌های المپیک و جهانی"، قم، آرشیو پایگاه اینترنتی صراط نیوز، (seratnews.ir) (ث)

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵/۱۰/۱)، "بیانات در دیدار اعضای شورای برگزاری همایش ملی هنر و تبلیغ"، آرشیو پایگاه اینترنتی صراط نیوز، (seratnews.ir) (ج)

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵/۱۰/۱)، "بیانات در دیدار جمعی از مدیران و کارشناسان ارشد وزارت امور خارجه با حضور در محل بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء"، آرشیو پایگاه اینترنتی صراط نیوز، (seratnews.ir) (چ)

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵/۱۰/۱)، "بیانات، بخشی از صحبت‌های آیت‌الله جوادی در رابطه با فیلم «محمد رسول‌الله (ص)»"، آرشیو پایگاه اینترنتی صراط نیوز، (seratnews.ir) (ح)

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵/۱۰/۱)، "بیانات در جلسه درس اخلاق هفتگی خود که

این هفته با حضور جمعی از مدیران و کارکنان شرکت مخابرات استان تهران"،
آرشیو پایگاه اینترنتی صراط نیوز، (*seratnews.ir*) (خ)

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸/۱۰/۱۲)، "بیانات در همایش: الگوی فقاقت ویژه
نکوداشت مقام علمی مرحوم آیت الله سید محمد محقق داماد(ره)"، آرشیو پایگاه
اینترنتی حوزه نیوز، (*hawzahnews.com*) (د)

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸/۱۱/۱۹)، "بیانات در دیدار ریاست دانشگاه ادیان و
مذاهب"، آرشیو پایگاه اینترنتی دانشگاه ادیان و مذاهب، (*urd.ac.ir*) (ذ)

جوادی، عبدالله (۱۳۹۵/۱۰/۱)، "پیام آیت الله جوادی به همایش فلسفه اسلامی و
چالش های جهان امروز"، آرشیو پایگاه اینترنتی صراط نیوز، (*seratnews.ir*)
(الف)

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸/۱/۱)، "دروس اخلاق"، پنجشنبه، ۲۵ دی ۱۳۹۳،
موجود در
<http://www.shafaqna.com/persian/services/marjeiats/item/102>
ت 753

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹/۱۰/۲۵)، "تفسیر سوره همزه"، تاریخ ۰۱/۰۷/۱۳۹۹،
موجود در آرشیو پایگاه اینترنتی، *javadi.esra.ir* ج

سلطانی، مصطفی؛ فرمانیان، مهدی؛ روحی، نبی الله (زمستان ۱۳۹۸)، بنیان های فکری
تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، مطالعات راهبردی ناجا، سال ۴،
شماره ۴: صص ۵-۲۹

صادقی، ابراهیم و خاکی، محمدرضا(بهار و تابستان ۱۳۹۸)، امکان سنجی مهندسی
تمدن نوین اسلامی از منظر مدل ارتباطی دین و علم مدرن در اندیشه علامه
جوادی آملی، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲،
شماره ۱: صص ۱-۳۶

کریمی، علیرضا؛ افشاری، مرتضی (بهار و تابستان ۱۳۹۷)، تحلیل دیدگاه‌های امام خمینی و امام خامنه‌ای پیرامون نقش هنر و هنرمند در پیکره تمدن اسلامی، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۱: صص ۵۰-۶۴.

نجفی، موسی (۱۳۹۲)، نظریه تمدن جدید اسلامی، تهران: آرما.